بسم‌الله الرحمن الرحیم

**متن درس فقه عبادات (خلل قبله) [[1]](#footnote-1) استـاد شوپایی جویباری زیدعزه**

اعوذبالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنت الله علی اعدائهم اجمعین

# فصل هشتم از مقدمات صلات: ستر و ساتر

فصل هشتم از فصول کتاب الصلاه ستر و ساتر است و مرحوم سید به حسب اینکه از حیث حکم و خصوصیات ساتر اختلاف وجود دارد، ستر را به دو قسم تقسیم می‌کند:

1. ستری که یلزم فی نفسه یعنی ستری که واجب نفسی است
2. ستری که مخصوص بحال صلات است یعنی ستری که واجب شرطی و شرط صحت صلات است

## [قسم اول ستر: ستر فی حد نفسه]

گرچه آنچه مرتبط به کتاب الصلاه است قسمت دوم است ولی به مناسبت ستر صلاتی مرحوم سید از ستر قسم اول نیز بحث می‌کنند، البته بحث از ستر در قسم اول خودش دو قسمت دارد:

- حکم سترعورتین چه زن چه مرد

- حکم ستر المراه تمام بدنش را از نامحرم الا وجه و کفین

### [پراکندگی مباحث مربوطه در کتاب عروه]

مرحوم سید نسبت به ستر العورتین قبلاً به تفصیل در احکام تخلی وارد شده‌اند و در فصل هشتم که مربوط به ستر صلاتی و لباس المصلی است، دراین فصل برخی از این جهات ستر العورتین را مطرح فرموده‌اند و همه جهات را نفرموده‌اند دراین قسمت پنج مطلب در ستر العورتین بیان شده است ولی در احکام التخلی به جهات متعددی با تفصیل وارد شده است[[2]](#footnote-2)؛ اما نسبت به ستر المراه تمام بدنش را در احکام تخلی متعرض نشده است و جهات بحث را در اینجا بیان می‌فرمایند و در قسمت حرمت نظر به زن اجنبیه، مسائل مربوط به حرمت و جواز نظر را در کتاب النکاح بیان کرده‌اند[[3]](#footnote-3) در کتاب النکاح به ستر المراه کمتر پرداخته شده است و عمده به جواز و حرمت نظر پرداخته‌اند.

### [الف: ستر فی حد نفسه: وجوب ستر العورتین]

در ستر واجب فی نفسه در قسمت ستر العورتین 5 مطلب را متذکر شده‌اند؛ ما در این مسائل مربوط به ستر عورتین بحث تفصیلی را وارد نخواهیم شد و فقط به نحو اجمال و گذرا این مطالب پنجگانه را اشاره خواهیم کرد ولی بحث تفصیلی از قسمت وجوب الستر علی المراه از سر گرفته خواهد شد و اکنون به برخی از ادله پرداخته خواهد شد.

### [مسائل پنجگانه در ستر العورتین]

#### مطلب اول: وجوب ستر عورتین

بر هر مکلفی واجب است که عورتین خود را -قبل و دبر- از مکلف دیگر بپوشاند -چه مکلف آخر مرد یا زن باشد یا به عبارت اخری هر مکلف باید از شخص دیگر عورتین خود را بپوشاند چه شخص آخر مماثل باشد یا غیر مماثل یا اینکه محرم باشد یا غیر محرم باشد.

«أمّا الأوّل فهو أنّه یجب ستر العورتین القبل و الدبر، من کلّ مکلّف من الرجل و المرأة، عن کلّ أحد من ذکر أو انثی و لو کان مماثلا، محرما أو غیر محرم» [[4]](#footnote-4)

##### [دلیل در مطلب اول]

###### [دلیل اجماع]

این مساله علاوه بر اینکه از واضحات است و مرحوم آقای حکیم در احکام التخلی در عبارتی از صاحب جواهر ادعای اجماع محصل و منقول بلکه ضرورت دین فی الجمله را در ستر العورتین نقل کرده‌اند. [[5]](#footnote-5)

###### [روایات]

علاوه بر تسالم و اجماع، روایاتی نیز وجود دارد که این روایات در ابواب مختلف متفرق است و مرحوم صاحب جواهر برخی از روایات را از اداب الحمام و برخی دیگر را از احکام الخلوه و بقیه را از سایر ابواب آورده است:

**صحیحه محمد بن مسلم ح1 از باب 9 از ابواب اداب الحمام:**

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ اَلْعَلاَءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَاءِ اَلْحَمَّامِ فَقَالَ ادْخُلْهُ بِإِزَارٍ اَلْحَدِيثَ . [[6]](#footnote-6)

[وجه دلالت]

این روایت در ظاهر اولیه امر به بستن لنگ در هنگام ورود به حمام دارد و این عنوان ائتزار مورد امر قرار گرفته است و با توجه به اینکه خود بستن ازار خصوصیت ندارد و امر به ازار بستن برای حفظ و ستر از عوره است و امر به ائتزار برای تحفظ عوره از نگاه غیر است اين روايت دليل بر وجوب ستر عورتين می شود .

**صحیحه رفاعه ح 5 باب 9 از ابواب اداب الحمام:**

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ اِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رفَاعَةَ‌ بْنِ‌ مُوسَی عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: قَالَ‌ رَسُولُ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ : مَنْ‌ كٰانَ‌ يُؤْمِنُ‌ بِاللّٰهِ‌ وَ الْيَوْمِ‌ الْآخِرِ فَلاَ يَدْخُلِ‌ اَلْحَمَّامَ‌ إِلاَّ بِمِئْزَرٍ.[[7]](#footnote-7)

[وجه دلالت:]

در این روایت نیز امر به ائتزار برای دخول به حمام وارد شده است و معلوم است خود ازار بستن که خصوصیت ندارد و معلوم است که از واجبات دین بستن خصوص ازار نيست و متفاهم عرفی از این ائتزار این است که بر هر شخصی لازم است عورتین خود را بپوشاند.

**روایت حنان بن سدیر ح4 باب 9:**

مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي وَ جَدِّي وَ عَمِّي حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ‌ ، فَإِذَا رَجُلٌ‌ فِي بَيْتِ‌ الْمَسْلَخِ‌ فَقَالَ‌ لَنَا مِمَّنِ‌ الْقَوْمُ‌ إِلَى أَنْ‌ قَالَ‌: مَا يَمْنَعُكُمْ‌ مِنَ‌ الْأُزُرِ فَإِنَّ‌ رَسُولَ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ قَالَ‌ عَوْرَةُ‌ اَلْمُؤْمِنِ‌ عَلَى اَلْمُؤْمِنِ‌ حَرَامٌ‌ قَالَ‌ فَبَعَثَ‌ أَبِي إِلَى كِرْبَاسَةٍ‌ فَشَقَّهَا بِأَرْبَعَةٍ‌ ثُمَّ‌ أَخَذَ كُلُّ‌ وَاحِدٍ مِنَّا وَاحِداً ثُمَّ‌ دَخَلْنَا فِيهَا إِلَى أَنْ‌ قَالَ‌: سَأَلْنَا عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ‌ بْنُ‌ الْحُسَيْنِ‌ عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ .

این روایت در کافی به صورت کامل وارد شده است به خلاف نقل وسائل که به صورت تقطیع شده امده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي وَ جَدِّي وَ عَمِّي حَمَّاماً بِالْمَدِينَةِ‌ فَإِذَا رَجُلٌ‌ فِي بَيْتِ‌ الْمَسْلَخِ‌ فَقَالَ‌ لَنَا مِمَّنِ‌ الْقَوْمُ‌ فَقُلْنَا مِنْ‌ أَهْلِ‌ اَلْعِرَاقِ‌ فَقَالَ‌ وَ أَيُّ‌ اَلْعِرَاقِ‌ قُلْنَا كُوفِيُّونَ‌ فَقَالَ‌ مَرْحَباً بِكُمْ‌ يَا أَهْلَ‌ الْكُوفَةِ‌ أَنْتُمُ‌ الشِّعَارُ دُونَ‌ الدِّثَارِ ثُمَّ‌ قَالَ‌ مَا يَمْنَعُكُمْ‌ مِنَ‌ الْأُزُرِ فَإِنَّ‌ رَسُولَ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ قَالَ‌ عَوْرَةُ‌ اَلْمُؤْمِنِ‌ عَلَى اَلْمُؤْمِنِ‌ حَرَامٌ‌ قَالَ‌ فَبَعَثَ‌ إِلَى أَبِي كِرْبَاسَةً‌ فَشَقَّهَا بِأَرْبَعَةٍ‌ ثُمَّ‌ أَخَذَ كُلُّ‌ وَاحِدٍ مِنَّا وَاحِداً ثُمَّ‌ دَخَلْنَا فِيهَا فَلَمَّا كُنَّا فِي الْبَيْتِ‌ الْحَارِّ صَمَدَ لِجَدِّي فَقَالَ‌ يَا كَهْلُ‌ مَا يَمْنَعُكَ‌ مِنَ الْخِضَابِ‌ فَقَالَ‌ لَهُ جَدِّي أَدْرَكْتُ‌ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ مِنْكَ‌ لاَ يَخْتَضِبُ‌ قَالَ‌ فَغَضِبَ‌ لِذَلِكَ‌ حَتَّى عَرَفْنَا غَضَبَهُ‌ فِي الْحَمَّامِ‌ قَالَ‌ وَ مَنْ‌ ذَلِكَ‌ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فَقَالَ‌ أَدْرَكْتُ‌ عَلِيَّ‌ بْنَ أَبِي طَالِبٍ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ وَ هُوَ لاَ يَخْتَضِبُ‌ قَالَ‌ فَنَكَسَ‌ رَأْسَهُ‌ وَ تَصَابَّ‌ عَرَقاً فَقَالَ‌ صَدَقْتَ‌ وَ بَرِرْتَ‌ ثُمَّ‌ قَالَ‌ يَا كَهْلُ‌ إِنْ تَخْتَضِبْ‌ فَإِنَّ‌ رَسُولَ‌ اللَّهِ‌ صَلَّى اللَّهُ‌ عَلَيْهِ‌ وَ آلِهِ‌ قَدْ خَضَبَ‌ وَ هُوَ خَيْرٌ مِنْ‌ عَلِيٍّ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ وَ إِنْ‌ تَتْرُكْ‌ فَلَكَ‌ بِعَلِيٍّ‌ سُنَّةٌ‌ قَالَ فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنَ‌ اَلْحَمَّامِ‌ سَأَلْنَا عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ‌ بْنُ الْحُسَيْنِ‌ عَلَيْهِمَا السَّلاَمُ‌ وَ مَعَهُ‌ ابْنُهُ‌ مُحَمَّدُ بْنُ‌ عَلِيٍّ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ .[[8]](#footnote-8)

[فقه الحدیث]

* الشِّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ:

مراد از شعار لباس زیر است چرا که شعار لباسی است که با شعر و پوست بدن ملاقات دارد و دثار لباسی است که بر روی شعار می‌پوشند؛ که این تعبیر همانطور که در فهم فیض درکتاب وافی آمده است به این معنا است که "شما از خاصه و بطانه ما هستید" که یعنی به صورت ظاهری و سطحی شیعه نیستید بلکه از عمق بیشتری در این زمینه برخوردار هستید؛ لذا مرحوم فیض در الوافی فرموده است[[9]](#footnote-9) :

«... و الشعار الثوب الذی یلی الجسد سمی به لأنه یلی شعره و الدثار الثوب الذی فوق الشعار یعنی أنتم الخاصة و البطانة و ذلک لأن أکثر أهل الکوفة کانوا من شیعتهم علیهم السّلام و إن قصروا أولا.» [[10]](#footnote-10)

* فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ عَوْرَةُ‌ اَلْمُؤْمِنِ‌ عَلَى اَلْمُؤْمِنِ‌ حَرَامٌ‌

از این تعبیر که حضرت در مقام تعليل امر به اتّزار فرموده است که عورت مومن بر مومن حرام است استفاده می‌شود که ستر و پوشاندن عورت واجب است؛ در اينجا مباحثی مطرح است که ایا منظور از حرمت عورت مومن بر مومن به معنای عورت اصطلاحی است یا در مورد اسرار است اما این احتمال در مورد این روایت نمی‌آید؛ چون قول رسول الله را در مورد ستر عورت تطبیق کرده است؛ به عبارت دیگر در دستهٔ دیگر روایات که سر مومن را بمثابه عورت مومن بیان شده است کأن بیان شده است که این عورت اختصاص به عورت معلوم نزد عرف ندارد و علاوه بر آن سر مومن نیز عورت است لکن این بیان ظهور اولی عورت در قُبل و دُبر را مانع نیست و دراینصورت سرّ مومن نیز یک مصداق از این عورت لازم الستر اعتبار شده است لذا باعث نمی‌شود که این دسته روایات با این لسان، مخصوص به حفظ سرّ شود.

[بررسی سند:]

در مورد حنان بن سدیر مرحوم شیخ طوسی در رجال فرموده است که از واقفیه است و نسبت به سدیر هم توثیق خاصی وارد نشده است ولی مرحوم آقای خویی از باب تفسیر علی بن ابراهیم و کامل الزیاره حکم به اعتبار سدیر کرده است؛ مرحوم آقای تبریزی به سبب برخی از روایات که مشتمل بر مدح سدیر است، حکم به توثیق او کرده‌اند از جمله این روایات، در رجال کشی این روایت وارد شده است:

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ اَلْقُتَيْبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا اَلْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ، عَنِ اِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بکر بن محمد الأزدی، قَالَ: وَ زَعَمَ لِی زَیْدٌ اَلشَّحَّامُ، (1) قَالَ‌: إِنِّي لَأَطُوفُ حَوْلَ اَلْكَعْبَةِ وَ كَفِّي فِي كَفِّ أَبِي عَبْدِ اَللَّهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ فَقَالَ‌: وَ دُمُوعُهُ تَجْرِي عَلَى خَدَّيْهِ‌، فَقَالَ‌: يَا شَحَّامُ مَا رَأَيْتُ مَا صَنَعَ رَبِّي إِلَيَّ‌، ثُمَّ بَكی وَ دَعَا، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا شَحَّامُ إِنِّي طَلَبْتُ إِلی إِلَهِي فِي سَدِيرٍ وَ عَبْدِ اَلسَّلاَمِ بْنِ عَبْدِ اَلرَّحْمَنِ‌ وَ كَانَا فِي اَلسِّجْنِ فَوَهَبَهُ مَا لِي وَ خَلّی سَبِيلَهُمَا»[[11]](#footnote-11)

این تعبیر که حضرت نسبت به او انعطاف خاص داشته است و دعایش کرده است، و این اجابت دعا برای حضرت امر مهمی بوده است که برای زيد شحام نقل می کند نشان از علو درجه سدیر در نزد حضرت دارد البته در سند این روایت علی بن محمد القتیبی است که مورداشکال اقای خویی است لکن سابقاً بیان شد که او قابل توثیق است.

[وجه دلالت:]

آنچه از روایت دلالت بر مقصود دارد تعبیر «عَوْرَةُ‌ اَلْمُؤْمِنِ‌ عَلَى اَلْمُؤْمِنِ‌ حَرَامٌ‌ » است و عنوان "مومن" از باب جنس در روایت ذکر شده است و فرموده است عورت ایّ مومن بر ای مومن حرام است لذا فتوای مرحوم سید درست می شود زیرا که ایشان فرموده است که یجب علی کل مکلف که عورتش را ستر کند از کل احد؛ حال اینکه ایا از کافر باید بپوشاند یا خیر ؛ کسی در بحث وجوب ستر قائل به اختصاص حکم به مومن نشده است و در عکس که نظر به عورت شخص کافر باشد برخی ادعای اختصاص به مسلم کرده اند

###### [جمع بندی مطلب اول]

لذا در مطلب اول بر هر مکلفی واجب است که عورت خود را از دیگران بپوشاند به صورت فی الجمله که قدر متیقن آن نسبت به مکلفین آخر است و بالجمله در ادامه فروعات دیگر بحث خواهد شد.

#### مطلب دوم: حرمت نگاه به عورتین شخص ديگر

بر هر مکلفی حرام است که به عورتین مکلف دیگر نگاه کند چه مماثل باشد چه غیر مماثل، چه محرم چه غیر محرم، چه زن چه مرد:

«و یحرم علی کلّ منهما أیضا النظر إلی عورة الآخر» [[12]](#footnote-12)

##### [دلیل بر مطلب دوم]

###### [دلیل اجماع]

مرحوم صاحب جواهر اجماع محصل و منقول مورد ادعا ایشان، شامل این فرض مطلب دوم نیز می‌شود و اینجا ادعای اجماع کرده است و همین طور از ضروری دین است. [[13]](#footnote-13)

###### [روایات]

به ادله دیگر نیز برای این مطلب استدلال شده است که روایاتی که دال بر وجوب ستر است و همان روایات مثل روایت محمد بن مسلم و رفاعه دلیل بر حرمت النظر می‌شود به تقریبی که در کلام محقق داماد آمده است متفاهم عرفی از وجوب ستر العوره این است که بپوشاند تا مورد نظر قرار نگیرد[[14]](#footnote-14) و این نکته وجوب الستر این است که دیگران به عورت او نگاه نکنند و نگاه کردن مبغوضیت دارد و مبغوضیت آن به حدی است که فرد منظور الیه باید ستر کند تا بقیه به آن نگاه نکنند.

[اشکال به تقریب محقق داماد]

ممکن است اشکال شود، این تقریب که وجوب ستر برای حفظ احترام و عدم هتک شخص خودش باشد و اظهار انچه مخفی است موجب هتک است و اگر نکته وجوب ستر، هتک باشد دیگر تقریب آقای داماد کافی نیست.

[بازتقریر تقریب محقق داماد]

الا اینکه گفته شود که اگر نکته وجوب ستر حرمت هتک باشد باعث نمی‌شود که نگاه کردن ديگران به عورت در جايی که خود شخص رعايت نمی کند جایز نباشد چون در اين صورت هتکی محقق نمی شود ولی جواب اين اشکال اين است که این از مورادی است که خداوند به خودشخص اجازه نداده است که احترام خودش را از بین ببرد و خودش را ذلیل کند -که در روایات این مضمون وارد شده است - ولو نکته این وجوب تستر هتک باشد، ولی این که خود شخص احترام خودش را رعایت نکند این دلیل نمی‌شود که بقیه جایز النظر باشند زیرا که این نگاه و نظر خودش از مصادیق هتک او است.

لکن ادلهٔ خاصه‌ای داریم که درخصوص نظر وارد شده است که نظر کردن درعورت غیر جایز نیست:

صحیحه حریز حدیث1 باب 1 ابواب الخلوه:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ اَلْعَبَّاسِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ قَالَ: لاَ یَنْظُرِ الرَّجُلُ إِلی عَوْرَةِ أَخِيهِ.[[15]](#footnote-15)

روایت حنان بن سدیر که قبلاً گذشت؛ این روایت مدلول اولیه‌اش حرمت نظر است هرچند که امام علیه السلام برای وجوب ستر به آن استدلال کرده‌اند.

روایت مناهی النبی صلی الله علیه و آله، حدیث 2 باب 1 ابواب خلوه:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنِ اَلصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلاَمُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِی حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فِی فَضَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلْيُحَاذِرْ عَلَی عَوْرَتِهِ وَ قَالَ لاَ یَدْخُلَنَّ أَحَدُكُمُ الْحَمَّامَ إِلاَّ بِمِئْزَرٍ وَ نَهَی أَنْ یَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَی عَوْرَةِ‌ أَخِيهِ‌ اَلْمُسْلِمِ‌ وَ قَالَ‌ مَنْ‌ تَأَمَّلَ‌ عَوْرَةَ‌ أَخِيهِ‌ اَلْمُسْلِمِ‌ ، لَعَنَهُ‌ سَبْعُونَ‌ أَلْفَ‌ مَلَكٍ‌ وَ نَهَی الْمَرْأَةَ‌ أَنْ‌ تَنْظُرَ إِلَی عَوْرَةِ‌ الْمَرْأَةِ‌ وَ قَالَ‌ مَنْ نَظَرَ إِلَی عَوْرَةِ‌ أَخِيهِ‌ اَلْمُسْلِمِ‌ أَوْ عَوْرَةِ‌ غَيْرِ أَهْلِهِ‌ مُتَعَمِّداً أَدْخَلَهُ‌ اللَّهُ‌ مَعَ‌ الْمُنَافِقِينَ‌ الَّذِينَ‌ كَانُوا يَبْحَثُونَ‌ عَنْ‌ عَوْرَاتِ‌ النَّاسِ‌ وَ لَمْ‌ يَخْرُجْ‌ مِنَ‌ الدُّنْيَا حَتَّی يَفْضَحَهُ‌ اللَّهُ‌ إِلاَّ أَنْ‌ يَتُوبَ‌ .[[16]](#footnote-16)

از این دسته روایات استفاده می شود که همانطور که ستر واجب است ، نظر کل مکلف به عروه غیر نیز حرام است.

#### مطلب سوم: بیان استثناء

از وجوب ستر و حرمت نظر زوج و زوجه و سید و مملوکه در جایی که مملوکه مزوجه یا محلله نباشد.

«و لا یستثنی من الحکمین إلاّ الزوج و الزوجة (٣) و السیّد و الأمة إذا لم تکن مزوّجة (٤) و لا محلّلة (٥)» [[17]](#footnote-17)

1. دوشنبه ،30مهرماه،1403 [↑](#footnote-ref-1)
2. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۳، صفحه: ۵۶ [↑](#footnote-ref-2)
3. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۱۵، صفحه: ۱۹۴ [↑](#footnote-ref-3)
4. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۶، صفحه: ۲۰۵ [↑](#footnote-ref-4)
5. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۲، صفحه: ۱۸۵ «و في الجواهر ادعی الإجماع عليه محصلاً و منقولا، بل ضرورة الدين في الجملة.» [↑](#footnote-ref-5)
6. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲، صفحه: ۳۸ ؛ 9 - بَابُ‌ اِسْتِحْبَابِ‌ دُخُولِ‌ الْحَمَّامِ‌ بِمِئْزَرٍ وَ كَرَاهَةِ‌ تَرْكِهِ‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۲، صفحه: 40 ؛ 9 - بَابُ‌ اِسْتِحْبَابِ‌ دُخُولِ‌ الْحَمَّامِ‌ بِمِئْزَرٍ وَ كَرَاهَةِ‌ تَرْكِهِ‌ [↑](#footnote-ref-7)
8. الکافي (اسلامیه)، جلد: ۶، صفحه: ۴۹۷ [↑](#footnote-ref-8)
9. الوافي، جلد: ۶، صفحه: ۶۳۹ [↑](#footnote-ref-9)
10. مرحوم مجلسی نیزهمین معنا را بیان فرموده است :«يا أهل الكوفة و أهلا و أنتم الشعار دون الدثار: «الشعار الثوب الذي يلصق بالشعر كالقميص و الدثار بالكسر ما فوق الشعار من الثياب يعني عليه السلام أنكم من المخصوصين بنا لا المخالطين معنا كسائر الناس فإن أكثر أصحاب الأئمة صلوات الله عليهم كانوا من أهل الكوفة في ذلك الزمان» روضة المتقین في شرح من لا یحضره الفقیه، جلد: ۱، صفحه: ۳۰۴ [↑](#footnote-ref-10)
11. اختیار معرفة الرجال، جلد: ۲، صفحه: ۴۷۰ [↑](#footnote-ref-11)
12. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۶، صفحه: ۲۰۵ [↑](#footnote-ref-12)
13. مستمسک العروة الوثقی، جلد: ۲، صفحه: ۱۸۵ «و في الجواهر ادعی الإجماع عليه محصلاً و منقولا، بل ضرورة الدين في الجملة.» [↑](#footnote-ref-13)
14. کتاب الصلاة (محقق داماد)، جلد: ۲، صفحه: ۵ «أنّ‌ الأمر بلبس الميزر في العرف طريقي إلى عدم وقوع نظر الغير إليه. و قد فسّر الأمر بحفظ الفرج في آية الغضّ‌ - علی ما في مرسل الفقيه و تفسير النعماني - بحفظه عن النظر إليه.» [↑](#footnote-ref-14)
15. تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، جلد: ۱، صفحه: ۲۹۹ ؛ بَابُ‌ وُجُوبِ‌ سَتْرِ الْعَوْرَةِ‌ وَ تَحْرِيمِ‌ النَّظَرِ إِلَى عَوْرَةِ‌ اَلْمُسْلِمِ‌ غَيْرِ الْمُحَلَّلِ‌ رَجُلاً كَانَ‌ أَوِ امْرَأَةً‌ [↑](#footnote-ref-15)
16. همان [↑](#footnote-ref-16)
17. العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۶، صفحه: ۲۰۵ [↑](#footnote-ref-17)